

راه ترکستان...

تجاوز به حریم آیت الله طالقانی
تهدیدی برای آزادی عقیده

نویسنده: علی اصغر حاج سید جوادی

شماره
۲۴
خبر
هفته نامه
۱۰ ریال

بنابراین قانون اساسی میتواند متضمن
مترقی‌ترین و ضروری‌ترین و
انقلابی‌ترین خواسته‌های اجتماعی و
اقتصادی و سیاسی اکثریت مردم جامعه
باشد ولی بخاطر وجود شرایط نامساعد
سیاسی و اجتماعی و اقتصادی هرگز
بمرحله اجرا درنیاید و فقط بصورت
وسیله‌ای برای توجیه قانونی یک قدرت
بقیه در صفحه ۲

تائید جمهوری اسلامی در فرایند از
طرف اکثریت مردم ایران و مسئولیت و
وظیفه بسیار دشواری را متوجه رهبری
انقلاب کرده است، این وظیفه بر دو پایه
اساسی استوار است:
۱- محتوای قانون اساسی، یعنی
ضوابط اصلی حاکم بر نظام سیاسی و
اجتماعی و اقتصادی کشور. در قانون
اساسی است که بطور کلی شکل اجتماعی
و اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی
مشخص می‌شود و میتواند در مقایسه با
تلقی سایر نظام‌های سرمایه داری و
سوسیالیستی از حقوق اجتماعی و
اقتصادی و سیاسی مردم مورد ارزیابی
قرار گیرد.

حدود تصفیه و دادگاه‌های انقلابی

بایستی به پای میزان حساب و کتاب کشیده سوس،
هنوز کم نیستند و از این روحیه متزلزل اقلیت برای
پراکندن شایعات و ایجاد بیم و هراس حداکثر
استفاده را می‌کنند.
سرعت همراه با دقت در کار دادگاه‌های انقلابی
لازم بوده و هست، از سوی دیگر بارها چه از سوی
رهبر و مرکز انقلاب ایران یعنی حضرت آیت اله
خمينی و چه از سوی سایر رهبران انقلابی و سران
دولت مساله عفو عمومی
بقیه در صفحه ۷

وتلويزيون وجهت دادن به سينما ها ورستورانها
و عيانشخانه ها وقمارخانه ها وكاباره ها وسوق دادن
جوان و پير به سوي تفریحات ناسالم برای انصراف
از کنجکاوي درجنايات وفساد حکومت از طرفی،
واز طرف دیگر با تشکیل سمينار ها وهمايش ها
ونيايش ها وبرنامه ريزی های مختلف وحساب
شده برای به وجود آوردن عادت واخلاق خاص
دوران رواج اقتصاد مصرف درحال توانسته اند
عادات واخلاقى را دست کم درمیان طبقات مرفه
جامعه وخرده بورژواهای وابسته به اقتصاد دلالی
به وجود آورده اند که ترک آن اگر به اندازه گذشت
وظاقت وتصميم ناقابل برای ترک عادت سیگار
کشیدن هم، آگاهی وتصميم وگذشت لازم داشته
باشد بازمساله قابل توجهی می تواند بود.
در این میان آنانکه درحال با انقلاب ونتايج
انقلابی منافعى مغاير دارند ویا مکان اجتماعی
خودرا که در دوران پیش از انقلاب مکانی مطلوب
بوده است گم کرده اند، یا ضدانقلابی ها وآنانکه

دادگاه‌های انقلابی پس از مدتی سکوت سکون به
کار افتاده اند. وسرعت گرفته اند. انقلاب دادگاه
خودرا دارد وتصفيه خودرا. انتقادات سازنده
ومنطقی به دولت وارگانهای انقلابی جای خودرا
دارد که همه با آن موافقت اما شایعه ها، پیج پیج ها
وايجاد وحشت اضطرابها ازسوی کسانی دستند
هانی است که در حضور انقلاب را نمی پسندند
یا نمی دانند ویا هنوز پیش خود این مساله را حل
نکرده اند که انقلاب ودگرگونی درحال
مجموعه‌ای از عادات جاگرفته وپاگرفته‌ی
شخصی یا عمومی را برهم می زند. اگر نگوییم
درمدت پنجاه ساله حکومت خاندان پهلوی، دست
کم درسی وپنج سال. گذشته ویا در نهایت طی
پانزده سال گذشته یعنی از پانزدهم خرداد ۱۳۴۲
تاکنون نه تنها مجموعه‌ای از قوانین زیربنایی
واقتصادی، بلکه دستگاه عظیم تبلیغاتی حکومت
خودگامه با کمک وسائل ارتباط جمعی، رادیو

و همانطور که می دانیم قانون اساسی
فقط یک سند و منشور ملی و مردمی است
و جز این ضمانت بخشیدن به قدرت اجرایی
و عملی آن در گرو شرایط خاصی است که
فقط در نیروهای موجود جامعه باید جست
وجو شود، بهترین مثال تاریخی این مسئله
قانون اساسی سابق ایران است که با اینکه
برسباق قوانین اساسی سرمایه داری غربی
بخشی از حقوق اجتماعی و سیاسی مردم
در آن منعکس شده بود ولی هرگز بمرحله اجرا
در نیامد و این حقوق و بسیاری از امکانات
مربوط به تکامل شرایط اجتماعی جامعه
مقهور قدرت استبدادی و استعماری
گردید.

نامه‌ای از
رئیس دپره
در صفحه ۳



مراسم سرکده مکتوب شهروانی با حضور حضرت آیت الله طالقانی

راه ترکستان...

بقیه از صفحه ۱

غیرقانونی و ضد مردمی مورد استفاده قرار گیرد.

۲- مسیر حرکت قدرت که در نیروهای جامعه مستقر است و در دولت برخاسته از انقلاب و بنیادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی وابسته به آن متبلور می شود.

حرکت انقلابی ایران با پوشش مذهبی آن دارای یک مفهوم ساده و قابل لمس است، یعنی قیام مردم برای ویران کردن پایه های نظامی که مخلوق سرمایه داری بین المللی و امپریالیزم جهانی و حامی فساد و اختناق و بیعدالتی در درون قشرهای جامعه بود.

بنابراین هدف و مسیر حرکت قدرت دولت نیز نمیتواند خارج از این خواست اساسی باشد. پوشش مذهبی نظامی جمهوری ما نیز بهر طریق نمیتواند از این اصل خارج شود. باتوجه به این که قواعد و احکام اسلامی نیز از اساس با اسارت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی انسانها بطور کلی و بصراحت مخالف است. اما همانگونه که قانون اساسی خودبخود یعنی بدون توجه به نیروهای جامعه منشاء اثری نیست و خود به تنهایی ضامن اجرای ضوابط خود نمی باشد، جمهوری اسلامی نیز بدون توجه به واقعیت های موجود در جامعه نمیتواند اکثریت مردم زحمتکش ما را به هدفهای اساسی خود برساند.

در اینجا این نکته را باید بگوئیم - اگرچه بمذاق خیلی از افراد و گروهها خوش نیاید - که رای توده هائی که از مذهب و احکام و اصول اسلامی دارای سابقه ذهنی فرهنگی و شناخت عینی نیستند خودبخود در حیات پارلمانی و رای گیری با حرکت انقلابی و مصمم آنها بر ضد نظام استبدادی تفاوتی قاشح دارد. در اینجا ما به لحظات حساسی از تاریخ می رسیم که بحقیقت باتمام سیمای خشن و صریح خود نمایان می شود و ما را از روبه روشن شدن بان و طرح و بحث آن گریزی نیست اگرچه در این مسیر طبق معمول مورد تهمت و افترا قرار گیریم و این امری غیرمنتظره نیست زیرا وقتی طرح حقیقت و دفاع از آن خاطر گروندگان به واقعیت و استفاده کنندگان از آن را خوش نیاید باسانی هدف تیرهای تهمت قرار می گیری، به نوکری آمریکا و یا به جاسوسی روس متهم می شوی، یا به چماق تکفیر می کوبندت و یا دستهایت را به دم سرمایه داری و بورژوازی می بندند و در این رهگذر است که توده ها و روشنفکران در مسیر قضاوتهای سطحی افترا آمیز همه گذشته ها و همه نوشته ها و همه داورها را فراموش می کنند.

و بهر حال اگر بناست که یکبار دیگر انقلاب ما به شکست منتهی نشود و خون پاک هزاران شهید بیگناه بهتر نرود بر سر بیان حقیقت و طرح منطقی تداوم مبارزه انقلابی. و گفت و گو درباره کمبودها و افراط کاریها باید با صراحت گفته شود ما خود شاهد یک مرحله شکست در نهضت ملی ایران بودیم، آنجائی که پس از

کارها در داخل قشرهای مردم خود را برای مقابله با هجوم استعمار و ارتجاع داخلی آماده کند.

مسئله اساسی اینست که رهبری نباید وحدت و اتحاد مردم را در مرحله مبارزه برای نابودی نظام استبدادی امری پایدار و مداوم بداند، آن وحدت و اتحاد ناظر بر یک خواست عمومی و مورد قبول همه قشرهای اجتماعی محروم و زحمتکش جامعه است و پس از عبور از آن مرحله شکل و محتوی اتحاد و همبستگی مردم تغییر می کند، هنگامی که قدرت استبدادی بوسیله مردم نابود شد، قدرتی که جایگزین می شود باید دارای ساخت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی مشخصی باشد.

لیبرالیسم بدون برنامه اقتصادی و اجتماعی دولت، راه را برای تسلط جناحهای ارتجاعی و ایجاد یک نوع خشونت های تازه بر اساس تعصب های اعتقادی و قدرت طلبی های فردی و گروهی هموار می کند. استبداد و تعصب با هر برجسی که عرضه شود نتیجه ای جز خفقان ندارد ما هنگامی میتوانیم حقوق قومی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی برادران کرد و یا ترک و یا ترکمن خود را در چارچوب حقوق اجتماعی و سیاسی همه مردم ایران قرار دهیم که انقلاب مسیر طبیعی خود را در راه نابود کردن بنیادهای ارتجاعی سرمایه داری و وابستگی های استعماری طی کند، مسیر انقلاب اگر با خفقان و تعصب آلوده شود پایانی جز یک دوره تازه از فاشیسم و وابسته به سرمایه داری بین المللی با تمام عوارض آن ندارد.

نظم و انضباط انقلابی برای ساختن جامعه ای نو نباید وسیله ایجاد خفقان و تحمیل تعصب های کورکورانه قرار گیرد، این وسیله در درجه اول فضای اجتماعی را برای رشد و نمو هماملی باز می کند که در رابطه با رژیم استبدادی گذشته می خواهند در فضای انقلاب جانی برای خود بدست آورند. اینها با گذشته آلوده خود بهترین عوامل اجرائی شیوه های خفقان و تعصب اند.

ما از هم اکنون اخطار می کنیم که تجربه شکست های گذشته نباید تکرار شود، انقلاب محدوده تقسیم مشاغل و استفاده از روشهای کاذب پوزادستی برای تحریک احساسات توده ها و کشاندن این احساسات در راههای از پیش ساخته که پایه اش بر مصالح فردی و خصوصی است نیست.

این راه نه راه انقلاب بلکه راه ترکستان است. و ما از هم اکنون نشانه ها و علامات ناخوشی از این گونه بیراهه رویها می بینیم، اگر انقلاب واقعیت دارد، دولت انقلاب نیز نمیتواند در داخل دولت ها و قدرتهای خصوصی افراد و گروهها محصور شود، و این قدرتها و گروهها نباید مصلحت اجتماعی و اقتصادی توده ها را در رابطه با فرهنگ کم محتوای سیاسی و تجربه ضعیف آنها از صحرای سیاسی که بطور مستقیم ناشی از آثار دوران طولانی استبداد و خفقان است قربانی احساسات و اعتقادی آنان بنمایند، بعبارت دیگر ایمان و دولت می خواستند که برای حفظ نهضت از تجهیزات یک رهبری سیاسی و تجهیز

در یک برنامه انقلابی اجتماعی و اقتصادی است و این نیرو را نباید در استفاده از شیوه هائی که برای حفظ منافع خصوصی شکل می گیرد بهدر داد، اگر دولت برای مسائل اجتماعی و اقتصادی یعنی نابودی نهادهای فاسد و ظالمانه سرمایه داری و استعمار برنامه مشخصی ارائه ندهد و از پیشرفت موج تعصب و خشونت هلی کاذب اعتقادی و تحمیل شیوه های ارتجاعی جلوگیری نکند آنگاه میدان برای کسانی باز می شود که مدعی میشوند همه مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه را میتوان در یکی دو روز حل کرد.

کیفیت حادثه منزل مجاهد بزرگ آقای طالقانی و توقیف فرزندان ایشان هنوز بدرستی بر ما معلوم نیست اما اگر تجاوز به حریم آقای طالقانی در حرکت عناصر افراطی و قشری بسوی قدرت و ارعاب مبارزان سنگرهای انقلاب یک نماد و سمبل باشد ما این حادثه را به عنوان تهدیدی مسلم برای آزادی عقیده و جهاد برای ادامه انقلاب مردم تلقی می کنیم بدیهی است هیچ ارعاب و تهدیدی قادر به ادامه مبارزه ما برای جلوگیری از نابودی انقلاب در گام نخستین آن نخواهد بود. اگر روشن بینی و شناخت شرایط انقلابی جامعه ما از سوی رهبری نتواند از این نوع توطئه ها و تجاوزها جلوگیری کند تفرقه و نفاق و ضرورت دفاع از مبانی انقلاب برای مبارزان آزادی نتیجه اجتناب ناپذیر این مانورها خواهد بود.

تظاهرات در قزوین



روز دوشنبه ۲۸ اسفند ماه سرپازان و درجه داران و افسران لشکر ۱۶ زرهی پادگان قزوین با تانکها و زره پوشها و دیگر خودروها در حالی که جوانان مبارز و مجاهد شهر هم بر آنان سوار بودند خیابانهای اصلی شهر را در میان شور و شعف و استقبال پر هیجان مردم پیروند و در تمام مسیر توسط مردم گل باران می شدند. افسران و پاسبان شهربانی نیز در این تظاهرات شرکت داشتند. سپس ارتشیان و قوای انتظامی و گروه کبیری از مردم در میدان ولی عصر (میدان ولیعهد سابق) اجتماع کردند. ابتدا فرمانده لشکر جناب سرهنگ پای برزی برای آنان سخنانی دایر بر وفاداری به امام خمینی و پشتیبانی از دولت موقت آقای مهندس بزرگان و وابستگی به ملت ایران و حمایت از جمهوری اسلامی ایراد کرد و پس از چند سخنرانی توسط شخصتهای ارتشی و مردم که با ایراز احساسات شدید مردم و ارتشیان روبرو شدند اجتماع و تظاهرات در ساعت یک بهمن ظاهر پایان یافت.

قزوین: عبدالله سرفراز

جنبش

جای اداره: تقاطع فرصت

شیرازی و اسکندری

شمالی شماره ۱۵۵ تلفن ۹۱۳۳۸۸/۰

خونریزی

پاگرفته‌ست زمانی‌ست مدید،
 ناخوش احوالی در پیکر من،
 دوستانم، رفقای محرم!
 به‌هوایی که حکیمی بر سر، مگذارید
 این دلاشوب چراغ،
 روشنایی بدهد در بر من!

من به‌تن دردم نیست،
 يك تب سرکش، تنها پیکرم ساخته و دانم این راکه چرا
 و چرا هر رگ من از تن من سفت و سقط شلاقی‌ست
 که فرود آمده سوزان
 دمبدم در تن من.
 تن من با تن مردم، همه را با تن من ساخته‌اند
 و به‌يك جور وصف می‌دانم
 که در این معرکه انداخته‌اند.

نبض می‌خواندمان با هم و می‌ریزد خون، لیک کنون
 به‌دل نیست که در بام انگشت گذار
 کز کدامین رگ من خونم می‌ریزد بیرون.

یکی از همسفرانم که در این واقعه می‌برد نظر، گشت دچار
 به تب ذات‌الجنب
 و من اکنون در من
 تب ضعیف است، بر آورده دمار.

من نیازی به حکیمانم نیست

شرح اسباب من تب‌زده در پیش من است

بجز آسودن درمانم نیست

من به از هر کس

سر بدر می‌برم از دردم آسان که ز چیست

با تنم توفان رفته است.

تبم از ضعف من است،

نیما پوشیج

تبم از خونریزی.

تابستان ۱۳۳۱



حی علی السلاح

طه حجازی

من باتمام قدرت
 فریاد می‌زنم: -
 حی علی السلاح

ای خلق:.....

با دستیارگریه نشاید
 فاز و نور و رهایی را
 در کوچه‌های باور شب

جاودانه کرد.

اینک...
 تا استواری فریاد
 تا پایداری آتش
 - ایمان صادقانه‌ی مزدک -
 از هر چه دودو دروغ است
 از انحنای هر چه سکوت است
 باید گذر کنیم
 باهیاتی به قدرت تصمیم
 باسیرتی شکفته به امید
 شب را سحر کنیم
 تا دشنه‌ی برنده‌ی آزادی
 در دستهای ما

- برای همیشه -

خورشید را به تجربه برخیزد.
 دیگر صدا و همه‌ی رزم
 تا مهلت رها شده

در ذهن

این جمع سوگوار پریشان را
 باور کن کن ای رفیق موافق
 امشب بسنده است
 بی شک فردا

به مشت

به بازو
 به انقلاب

فردا به بمب

به نارنجک

فردا نیازمند تلاش است

کوشش است.

هان ای برادر هم‌رزم

ای چریک!...

اه‌ای رها شده در شب
 فردا برای خلق گرسنه
 امروز

محسوب می‌شود

پس باتمام همت خود بشتاب

سوی سلاح ورزه

تهران - ۲۶ آبان ۱۵۵۳

نامه‌ای از رئیس دبره

نامه بنفراسیون کارگران مطبوعات بولیوی

در آوریل ۱۹۷۰ بنفراسیون جدید التاسیس کارگران مطبوعات بولیوی کنگره خود را در شهر لاپاز تشکیل داد و مصراغه آزادی کلیه زندانیان سیاسی خصوصاً زندانیان زندان کامیری را خواستار شد بدنبال آن جنبشهای دانشجویی و سازمان‌های کارگری که مجدداً تاسیس شده بودند به تکرار آن خواستها پرداختند. بطوریکه در ژانوال اوآندو مجبور به صدور این بیانیه شده که نسبت به وضع رژیم دبره تجدید نظر خواهد کرد این بیانیه موجب شد چهره واقعی و ماهیت عوام‌فریب رژیم که هنوز عده‌ای گول آنرا می‌خورند برملاشد. نامه توسط مقامات نظامی زندان کامیری توقیف شد و هرگز به دست گیرنده آن کارگران مطبوعات بولیوی نرسید.

خود آنهاست در حالیکه نسبت بانچه که متعلق به خودشان است سخت بیگانه اند همانطور که نسبت بخود و برادران خود در کشورهای همسایه چون ویتنام و کامبوج جدا و بیگانه مانده‌اند. سرانجام روزی خواهد آمد که یک فرد بولیویائی بدون اینکه احتیاجی به اخبار یوتایتد پرس و اسپریتد پرس داشته باشد از حقیقت آنچه که در پرو و برزیل میگذرد مطلع خواهد شد. روری خواهد رسید که جریان بر مردم گویاراً فقط در روزنامه‌های متعلق بخود خواهد خواند به در روزنامه‌های میامی و واشنگتن دیگر وقتی عکس یک سرباز آمریکائی را در حال دادن شکلات بیک بچه ویتنامی

سوم مه ۱۹۷۰ - به رهبران و اعضای رفقا و همکاران اجازه می‌خواهم صمیمانه ترین تشکرات قلبی خود را به علت درخواست بکارچه شما در کنگره جهت آزادی زندانیان سیاسی خصوصاً من ابراز داشتید تقدیم حضورتان کنم. این بزرگواری شما بیشتر از آنچه که می‌بایست باعث تعجب شود درسی بود برای من تعجب باین خاطر که اکثر روزنامه‌های این مملکت چه از نوع باصطلاح ازادشان که بسبک غربی یامسیحی منتشر میشوند تا بحال بچنین عملی دست نزده بودند سه سال است که به خواندن ناسزاهای پگواخت آنها عادت کرده‌ام.

رفتار شما بمن یاد داد که ظاهر پدیده‌ها را با ماهیت باطن آنکه نهان مانده یکی ندانم - یاد گرفتم که رنگین‌نامه‌های هفتگی که شما غیرانسانی و ضدملی خطابش می‌کنید با کارگرانی که مانند برده مجبور بفروش بازوی خود جهت تامین منافع کارفرمائی که از هر جهت با او بیگانه هستند یکی ندانم. این در هنوز دست نخورده باقی مانده «فکر می‌کنم که ما - نباید این حقیقت را فراموش کنیم حداقل اکنون می‌دانیم آنها که امروز آنرا تقویت و تغذیه کرده‌اند و مدافع آن هستند روزی از حاصل کار خود بهره‌مند خواهند شد و آرزوی که این زنجیر فلج‌کننده بورژوازی بین‌المللی از هم بگسلد این ارگان اختصاصی و ترسناکی که سحنگوی استثمارگران است نابود خواهد شد. این شبکه‌ای که بدقت سازمان داده شده که حافظ منافع امپریالیسم درقاره است به فقط مردم را بی اطلاع از جریانات و حوادث روز میگذارد بلکه بطور مرتب و حساب شده در مسخ اندیشه آنها میکوشند بطوریکه مجبورند بیک زندگی بیگانه و ساختگی آنچنان تن در دهند که گویی زندگی

می بینید میدانند همین سرباز چند لحظه قبل دهکده و کلبه او را باوالدین او آتش زده بالاخره روزی خواهد آمد که یک فرد آمریکائی لاتین که میخواهد از حوادث کشور خود مطلع گردد احتیاجی بخواندن روزنامه‌های ازوپاتی یانیویورک تایمز نداشته باشد. امیدوار باشیم که امروز چندان دور نخواهد بود شما ممکن است آمدن آنرا تسریع کنید که یک ناظر بیطرف هم منبع قابل اعتماد دیپلماتیک و یک سخنگوی آگاه راهم چیزی بیشتر از عامل سیا یا وزارت خارجه آمریکا نداند.

باتقدیم مجدد سپاسگذاری خود اجازه بدهید چند کلامی هم راجع به سیاست صحبت کنیم. بالاخره همه ماهمه زندانیان و زندانی، چه روزنامه نگار یا مقامات رسمی دولتی، بشر دوستان مهربان و یاضد آن - همگی در یک موقعیت سیاسی هستیم و آن موقعیت سیاسی حاکم برماست. این وظیفه من نیست که راجع باین مسئله صحبت کنم. اکنون که شما نسبت به جریانات روزاز خود علاقه نشان میدید این باماست باصداقتی که باید بین همه افرادی که موضع ضدامپریالیستی دارند وجود داشته باشد صرفنظر از تفاوت در روش و وسیله و تئوری باید به بررسی مطلب بپردازیم. من میدانم شما در تظاهرات خود از ژنرال رئیس جمهور خواستار تجدید نظر در وضع زندانیان سیاسی خصوصاً ما را نموده‌اید رفقا - من چهارماه است که اجازه صحبت باهیچکسی حتی وکیل یا اقوام خود را هم - نداشته‌ام و مجاز بدیدن یک نسخه از نشریه شما هم نبودم. اینجا برای ملاقات زندانیان قوانین سختی وضع نموده‌اند. بنابراین چنانچه قربانی بی اطلاعی خودباشم مرا عفو کنید

ترجمه م - بصیر

«این مقاله در فاصله ورود آقای خمینی به تهران و سقوط کابینه بحث

وحدت کلمه رمز پیر

رئیس حمایت خود می گیرد سیاستهای اقتصادی نظامی خود را به آن دیکته می کند، و در اینکه توده ها باید از هیچ نوع آزادی و آگاهی و حقوقی برخوردار نباشند و در اینکه هر حرکت مردمی در جهت اعتراض و انتقاد باید بشدت سرکوب شود با نظام استبداد به توافق کامل می رسند.

این مکانیزم ساده ای از رابطه بین این سه عامل است که در جمع اضلاع یک مثلث اند. عمل این مکانیزم ساده چه در شیوه های استعمار قدیم و چه در شیوه های استعمار جدید یا نئوکولونیالیسم تفاوتی نمی کند.

ما در اینجا منطق چرچیل ها و دیزرائیلی ها و کوزن ها و گلاستون ها را در توجیه استعمار انگلیس و ضرورت حفظ تمدن زیبا و دموکرات انگلو ساکن ها در قرن نوزدهم به قیمت دریافت هزینه آن از توده های آسیائی و آفریقائی فراموش می کنیم و شما را به شنیدن آخرین حرفها و یا تازه ترین منطق یکی از معروفترین حامیان استعمار تو در قرن بیستم یعنی جناب دکتر هنری کی سینجر استاد هاروارد و نظریه پرداز بزرگ پاكس امریکانا یا صلح امریکائی در جهان دعوت می نمایم.

به بنیم نظریه جناب ایشان درباره انقلاب کثرتی ایران و نتایج آن چیست: آقای دکتر کی سینجر وزیر خارجه سابق آمریکا در مصاحبه خود روز دوشنبه ۱۶ بهمن ماه میگوید:

«... سیاست آمریکا به روحیه کسانی که می خواستند نظام و قانون را در ایران برقرار کنند لطمه زده است. در پاره ای موارد سیاست حقوق بشر کارتر آثار مخرب و نابودکننده ای در ساخت داخلی شوراهائی داشت که امنیت آنها تامین کننده منافع ملی آمریکا بوده است. چنانچه طرفداران آقای خمینی پیروز شوند دولتی که بوجود خواهد آمد دید آن به اندازه دولت گذشته وسیع نخواهد بود.» «نقل از کیهان و اطلاعات شماره ۱۷ بهمن ۱۳۵۷» می بینید که آقای کی سینجر بدستی بر نقطه اصلی اتصال اضلاع مثلث کذاتی انگشت می گذارد. و رابطه تفکیک ناپذیر وجدانشدنی آنها را مورد تائید قرار می دهد. در بحث درباره اوضاع ایران نظریه پرداز بزرگ امپریالیسم و نئوکولونیالیسم مسائل و عناصر اصلی استعمار و استبداد را برمی شمارد.

کی سینجر به ساخت داخلی شوراهائی که امنیت آنها تامین کننده منافع ملی امریکا است اشاره می کند پس منافع ملی امریکا از سونی به ساخت داخلی شوراهائی نظیر ایران که مورد چپاول و غارت مستقیم هستند بستگی دارد. ساخت داخلی این کشورها یعنی چه؟

یعنی روابط ظالمانه اجتماعی و اقتصادی که توده های مردم را با تجاوز و خشونت و استثمار از حرکت باز می دارد. و پس از آن کی سینجر به امنیت این کشورها اشاره می کند. مراد از امنیت در اینجا نه امنیت مردم کشورهائی مثل ایران بلکه امنیت رژیمهای فاسد و مستبد آنهاست، زیرا منافع ملی امریک وقتی حفظ می شود که قدرت این رژیمها و سلطه آنها بر مردم تامین باشد.

در اینجا آقای کی سینجر استاد علم سیاست به روحیه کسانی اشاره می کند که در موضع قدرت سیاسی خود در کشورهائی مثل ایران می خواهند نظم و قانون را برقرار کنند و آقای کی سینجر از اینکه به روحیه آنها لطمه زده شده است اظهار تکرانی می کند.

اما ما مردم ایران خیلی پیش از آقای کی سینجر به ماهیت نظم و قانون کسانی که در زیر حمایت مستقیم آمریکا مانور برقراری نظم و قانون در ایران بودند آگاهی داریم. چرا

اقتصادی و اجتماعی برای از ریشه کنیدن مردم از ششغال سنتی و مولد بسوی مشاغل تجملی و لوکس است.

برچین زمینه ای از روابط اقتصادی و اجتماعی کهنه و فاسد هرگز نمیتوان نظام استبداد را سرنگون کرد و یا نفوذ و سلطه استعمار را ریشه کن نمود، اگر انقلاب کثرتی ما از این واقعیت بسیار ضروری غفلت کند حرکت عظیم مردمی با همه قربانی ها و شهادتهای آن که دنیا را به حیرت افکنده است نظیر نهضت مشروطه و نهضت ملی برای مبارزه با تسلط انگلیس بر صنعت نفت شکست خواهد خورد و برای مدتی مردم ایران همچنان در سلطه این سه عامل عقب ماندگی و غارت باقی خواهند ماند. تا هنگامی که این روابط تغییر نکند توده های مردم برای دفاع از ارمانهای خود در قلمرو نظام سیاسی کشور سازمان نخواهند یافت و هرگز نظام سیاسی استبداد عامل تغییر نهادهای اجتماعی و اقتصادی توده ها نخواهد شد. در مسئله مبارزه با بیسوادی ما عین این واقعیت را دیدیم که رژیم استبداد چگونه با بوق و کرنا و فقط به قصد تبلیغ و فریب سازمانهای بین المللی و ارانه آمارهای دروغی بساط مبارزه با بیسوادی را پهن کرد و میلیونها تومان پول و سالهای دراز عمر مردم را تلف کرد و نتیجه نپه شد؟

نتیجه آن شد که درصد بیسوادی همچنان روبه افزایش است. و کیفیت اجرای برنامه آموزشی مبارزه با بیسوادی را هم خوب می دانیم که چگونه بود، یعنی فقط یک نمایش برای زدنی و ازانه آمارهای دروغی با تشکیل کلاسهای عاری از هرگونه محتوای آموزشی و تربیتی در روستاها با انهمه سروصدا. و این طبیعی بود زیرا انتقال آگاهی ها و سوادآموزی بمعنای واقعی کلمه نه کلمه آموزی به توده های زوستانی و کارگری نتیجه اش ایجاد یک حرکت اجتماعی و خودآگاهی توده ها و آشنائی منطقی و علمی با شرایط ظالمانه اقتصادی و اجتماعی و سرانجام ایجاد یک قدرت فشار و مقاومت مردمی در برابر نظام استبدادی بود.

و این مثالی بود از صدها مثال دیگر که همه ما در نحوه کار رژیم استبدادی در ۲۵ سال گذشته قرار داریم و می دانیم که همه برنامه های اجتماعی و اقتصادی رژیم در دو هدف اصلی خلاصه میشود: اول تهیه و تجهیز هرچه بیشتر وسایل غارت و زدنی. و دوم جلوگیری از وحدت و آگاهی توده های مردم از طریق اعمال فشار و خشونت.

پس مسئله در اینجا بر سر جامعیت وحدت است، وحدت بر سر مبارزه با استعمار و یا با استبداد کافی نیست زیرا اینها فقط دوشاخ از آن مثلث کذاتی اند.

دراصل یعنی در زمینه های تاریخی نظام استبدادی مخلوق روابط ظالمانه اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه است. این نظام هنگامی که از امتیازات اجتماعی و اقتصادی ناشی از این روابط بوجود می آید خود احکام قانونی حقیقت بخشیدن به این روابط ظالمانه را بوجود می آورد و به قدرت و نیروی پلیسی لازم نیز برای دفاع ماهرانه از این روابط و شکل قانونی آن مجهز می شود و هنگامی که در اوج ضعف و ناتوانی ناشی از فساد و خودکامگی طولانی با نیروی تازه نفس و آگاه و مجهز به قدرت صنعتی و اقتصادی و نظامی مهاجم روبه رومی شود چاره ای جز تسلیم در برابر آن و شرکت دادن استعمار در غارت و چپاول توده های خود و منابع و ثروتهای مملکت نمی بیند.

و استعمار نیز برای ادامه غارت خود و افزایش حجم و کمیت آن نظام فاسد استبدادی را

وجه

در شماره گذشته قسمت اول این مقاله به چاپ رسید. نویسنده با توجه به شعار حضرت آیت اله خمینی که «وحدت کلمه رمز پیروزی است» به بررسی اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران و شرایطی که انقلاب مشروطیت را پدید آورد پرداخته بود و پس از آن، آنچه کودتای ۱۲۹۹ و روی کار آمدن دیکتاتوری رضاشاه را به وجود آورد و بعد، سیاستی که در دوره حکومت خودکامه محمدرضاشاه از سوی امپریالیسم به ایران تحمیل شد و نظری درباره فساد فرهنگی اقتصاد مصرف. اینک قسمت دوم مقاله را ملاحظه می کنید.

اقلیت حاکمه و وابستگان آن نه اینکه تغییری نکرد بلکه همه امتیازهای اجتماعی و اقتصادی گروه حاکم و حتی شیوه های پلیسی خشونت و شکنجه و اختناق آن بدست قانونگذاران منصوب رژیم به لباس قانونی در آمد. یعنی بدون کوچکترین شک و تردید به اسم قانون و حشانه ترین تجاوزها و بی سابقه ترین غارتها که تاریخ سراغ ندارد بدست رژیم استبدادی در ۲۵ سال گذشته نسبت به مردم ایران اعمال شد. ابعاد فساد و غارت و ثروت اندوزی و خشونت و شکنجه آنچنان است که مرا نیازی به ذکر مثال آن نیست زیرا ما هنوز و همچنان در قلب این فاجعه که هرگز شیوه های هیتلری و چنگیزی و تیموری با آن قابل قیاس نیست قرار داریم و زندگی میکشیم.

نتیجه منطقی که از گذشته برای ما بوجود میاید چیست؟ نتیجه آنست که اضلاع این مثلث پس از دوران طولانی پیوستگی با یکدیگر همچنان بیگدیگر وابسته اند.

بافت و رابطه ظالمانه اجتماعی و اقتصادی بر اساس بهره کشی از نیروی کار توده های مردم. و در رابطه با استعمار غارتگر بین المللی در کلیه سطوح اقتصادی و تجاری و مالی و سیاسی و اجتماعی همچنان بر نظام اجتماعی جامعه مسلط است.

بر بالای این ساختمان اجتماعی و اقتصادی نظام استبدادی سیاسی با همه امتیازات گوناگون اجتماعی و اقتصادی به فغ اقلیت حاکمه و قشرهای وابسته آن همچنان اهرمهای حکومت و قدرت را در دست دارد. و در کنار این دونفوذ استعماری بیگانگان در ابعادی بسیار وسیعتر از گذشته قرار دارد بدین جهت که کشور ما گذشته از موضع جغرافیائی سیاسی خود در منطقه و در میان ابرقدرت ها و مناطق حساس نفوذی آنها دارای درآمد سرشاری از نفت و منابع فراوانی از ثروتهای طبیعی و معدنی است.

به این ترتیب یک حرکت انقلابی تنها بدست آوردن مواضعی در پارلمان و توقف در آن و رضایت از انجام یک انتخابات آزاد نیست، یک حرکت انقلابی با کنار رفتن شاه و استعفا او از سلطنت و تغییر رژیم متوقف نمی شود. یک حرکت انقلابی با عقب نشینی استعمار از مواضع کثرتی خود خاتمه نمی یابد.

جهت حرکت انقلابی باید یک بدست آوردن اهرمهای قدرت بوسیله مردم و نمایندگان واقعی آنها باشد، اهرمهای قدرت تنها در دست گروه حاکمه و یا استعمارگران بیگانه نیست بلکه دریافت و شکل روابط اجتماعی و اقتصادی جامعه است.

در شکل تولید در کیفیت توزیع درآمدها، در نحوه تقسیم کار، در شکل نظام ظالمانه مالیاتی، در کیفیت مصرف اعتبارات، در رابطه قدرت دولت و سازمانهای وابسته به آن یا مردم و شکل اعمال این قدرت و بطور خلاصه در مجموع روابط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه است که نتیجه آن تراکم ثروتهای بی حساب در دست گروههای محدود و گسترش فقر و محرومیت در توده های مردم است. نتیجه آن، تراکم امتیازات بیحد اجتماعی و سیاسی در قشرهای محدود و محرومیت توده های مردم از ابتدائی ترین حقوق اجتماعی است. نتیجه آن رواج فساد اخلاقی و مالی و تنوع بی حساب مصرف بطور مصنوعی در قشرهای ثروتمند و تزویق محرکهای کاذب

در اینجا این حقیقت را هرگز نباید فراموش کنیم که قانون اساسی محصول انقلاب مشروطه بود: یعنی قیام صادقانه مردمی که با ایثار جاز و خون و هستی خود به اندیشه آزادی و حقوق اجتماعی و سیاسی خود در جامعه شکل قانونی دادند اما از این قانون عدالتی که مورد نظر آنان بود عاید توده های مردم و جامعه ما نشد، این قانون امروز در نظر ما نقیص فراوانی دارد و هرگز جوابگوی نیازهای انسانی جامعه ما در تعیین دقیق قلمرو قدرت سیاسی قوای مملکتی در جهت مصالح اکثریت مردم کشور ما نیست، ولتر در مورد این قبیل قوانین نظر جالبی دارد و میگوید این قانون همانند زنگوله ایست که موشها بگردن گریه بستند، یعنی اینکه خود گریه یعنی دشمن اصلی از بین نرفت بلکه موشها بوسیله زنگوله فقط از حضور و حرکت جناب گریه برای بلعیدن آنها مطلع میشدند. اما دیدیم که همین قانون همین زنگوله را هم امپراطوری انگلیس یعنی گریه اعظم به کمک گریه های کوچکتر خود در ایران از بین برد و نظام استبداد سلطنتی در نتیجه با دو چوب زیر بغل خود یعنی حمایت استعمار و طبقه حاکم و روابط قانونی و سنتی وابسته به آن باردیگر بر حیات سیاسی و اجتماعی مردم ما مسلط شد.

توشه و ذخیره آگاهی سیاسی بویستدگار قانون اساسی و وابستگی های اجتماعی آنها در حول و حوش ازادیهائی بورژوازی و تفکر لیبرالیستی غربی بود، اما اساس پیدایش آن بر فداکاری و بیداری سیاسی قشرهائی از جامعه بود که اگر توان غلبه بر نفوذ استعمار و استبداد را داشت طبعاً در بستر همان نهضت این قانون در مسیر تجربه و عمل شرایط اجتماعی به تکامل میرسید و مرزهای حقوق سیاسی و اجتماعی پیش بینی شده در آن برای مردم در جهت منافع توده های مردم گسترده تر میشد.

اما استعمار به کمک گروه حاکم و با اتکالی به بافت دست نخورده فئودالی جامعه و سیاسی نشدن توده های مردم از این گسترش جلوگیری و طفل نوزاد مشروطه را در روزهای نخستین زندگی خفه کرد.

نظام سیاسی ایران در سلطه این مثلث یعنی استعمار و استبداد و بافت اجتماعی جامعه یا وجه تولید آسیائی باقی ماند، جنبش های سیاسی ایران یکی پس از دیگری سرکوب شد، تکامل اقتصادی و اجتماعی جامعه در سلطه نظام پلیسی رضا شاهی از سیر طبیعی باز ماند، آنچه که در دوران سلطنت استبدادی رضاشاه انجام گرفت با آنچه که میتوانست در حاکمیت ملی نظام واقعی مشروطه انجام گیرد قطره ای در برابر دریاست، و همانطور که میدانیم با انتقال قدرت پس از شهریور ۱۳۲۰ به استثنای دوران بسیار کوتاه حکومت دکتر مصدق تا امروز نظام سیاسی ایران در قید فشار دائمی و روز افزون این مثلث باقی ماند، هیچ چیز در زمینه تغییر و یا کاهش فشار این مثلث انجام نگرفت بلکه ما خود شاهد سالهای نزدیک تاریخ معاصر ایران بودیم و دیدیم که این فشار از سه زاویه مثلث و در سه ضلع آن به نحو شدیدی و در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی آن و در مسیر دائم التزایدی از خشونت و غارت و استبداد افزایش یافت.

پس از هفتاد و اندی سال از نهضت مشروطه نفوذ استعمار و سلطه استبداد همچنان برجای ماند و روابط اجتماعی و اقتصادی، جامعه به نفع قشرهای

وزی است

علی اصغر حاج سیدجوادی

برای اینکه کی سینجرها و راکفلر ها و چیس مانهاتان بانک ها و ژنرال موتورزها و لاکهیدها و بل ها و شل ها و اکسون ها و سزندگان و فروشندهگان اسلحه از مواهب و نعمات بیشتر این نظم و قانون دوزخی برخوردار میشوند، یعنی از میلیاردها دلار پول نفتی که برقرارکنندگان نظم و قانون به جیب کمپانی های آمریکائی و اروپائی می ریزند و از بازگشت مجدد و سریع درآمدهای نفتی به جیب فروشندهگان و صادرکنندگان مواد صنعتی و کشاورزی و خدمات در آمریکا و اروپا و ژاپن.

اما حاصل این نظم و قانون برای مردم ایران چیست؟

سواک و نظام شاهنشاهی و رستاخیز - فقر و بیکاری - نابودی کشاورزی - ایجاد یک طبقه غارتگر مرفه و غرق در فساد - زندان و شکنجه و کشتار - بیافزای فرهنگی و فقر فکری و پرزورگی خلافت های انسانی در همه زمینه های زندگی. رواج آئین پرستش بت های توخالی - ستایش آئین تعلق گوتی و چاپلوسی و دروغگویی - بی اعتنائی مطلق به حیثیت و شئون انسانی آری مرغی که برای آقای کی سینجر و شرکا و رفقای ایشان تخم طلائی می کند برای مردم ایران گلوله های مهلک فساد و نابودی و انحطاط پرتاب می نماید.

و آقای کی سینجر درست می گوید که دولت ناشی از انقلاب هرگز به اندازه رژیم استبداد سلطنتی دید وسیع نخواهد داشت، زیرا در اینجا نیز عینک زره بینی جناب ایشان با همه معلومات دانشگاهی و هوش و فراست ذاتی جز نوک بینی خود را نمی بیند زیرا حاصل این نوع ذاتی و انکسائی ایشان و امثال او را در متن سیاست پس از جنگ آمریکا دیدیم که چیزی جز تجاوز و غارت و آخر کار شکست و عقب نشینی و تسلیم نبود.

دید وسیع دولت استبدادی درست با منابع وسیع امپریالیزم غربی و باج بگیران حرفه ای بین المللی مطابقت می کند. هر جا که توده های مردم برای نابود کردن این منابع و تنگنار کردن دایره غارت و چپاول استعماری بحرکت در می آیند دید سیاسی این مردم و رژیمهای اضیل مردمی در نظر جهانخواران استعمارگر و نظریه پردازان و علمای آنها محدود می شود.

رژیمهایی که نخواهند ثروتهای مملکت خود را مفت و مجانی به استعمارگران تقدیم کنند دیدشان محدود و نظرشان تنگ است. و ما خود نسلی هستیم که بوضوح دید وسیع و دست پر سخاوت و بذال رژیم استبدادی ایران را دیدیم که چگونه می خواست با نظام شاهنشاهی خود و با سلاحهای آمریکا حفاظت آبهایی اقیانوس هند و شرق ترعه سوئز را بر عهده بگیرد. با این دید وسیع بود که رژیم استبدادی در مدت چهار پنج سال بیش از ۱۵ میلیارد دلار اسلحه از آمریکا خرید و در نگاه به آینده انرژی در دنیا آنچنان وسعت نظر داشت که با داشتن منابع عظیم انرژی ارزان میلیاردها دلار پول نفت را برای تهیه نیروگاههای برق اتمی بدون کوچکترین نیاز به آن و بدون کوچکترین آمادگی فنی و علمی برای حفاظت از آن اختصاص داد.

با چنین وسعت نظر و جسارتی بود که رژیم استبدادی ایران با نابودی منابع تغذیه و کشاورزی ایران بزرگترین خطر استراتژیک را برای مردم ایران در قبال فشار سیاسی و اقتصادی و نظامی بیگانگان بوجود آورد. رژیمی که به خیال خود بزرگترین نیروی نظامی منطقه را برای تبدیل شدن به ژاندارم امپریالیزم به قیمت تقدیم میلیاردها دلار پول نفت به کمپانی های اسلحه سازی غرب بوجود آورد میلیونها مردم

ایران را در برابر خطر قطع واردات مواد غذایی خلع سلاح نمود، و نظام تولید کشاورزی و دامداری کشور را که حتی در حالت ابتدائی و عقب مانده خود نیز گذشته از تأمین نیازهای داخلی صادر کننده و تأمین کننده ارزهای خارجی برای خزانه کشور بود به نفع استعمار نابود کرد، آنچنان که پرفسور رنه دومون کارشناس معروف کشاورزی فرانسه که بدعوت سازمان برنامه بسال ۱۹۷۶ برای بررسی وضع کشاورزی ما به ایران آمد این حقیقت را در گزارش بسیار مهم و جالب خود بزرگو کرد که دولت ایران با انهدام تولید کشاورزی و غذایی بزرگترین وسیله استراتژیک دفاعی را از مردم ایران گرفته است.

ایا اینهمه حاکی از وسعت دید رژیم استبدادی ایران نیست که اکنون آقای کی سینجر از دست دادن این دید وسیع را افسوس می خورد، چرا؟ زیرا کی سینجر تنها به فکر آمریکا و سرمایه داری آمریکا نیست بلکه برای اسرائیل نیز نگران است زیرا جناب ایشان بخاطر یهودی بودن طبق قانون اساسی اسرائیل نظیر هر یهودی دیگر نودب خود تبعه دولت اسرائیل نیز هست، و برای اینکه دید وسیع رژیم استبدادی ایران همانطور که می دانید اسرائیل را نیز در پوشش سخاوتمندانه خود قرار می داد. برای اینکه اسرائیل و رژیم استبدادی ایران دو پاسگاه و دو برج دیده بانی خطوط مقدم جبهه سرمایه داری غرب عموماً و آمریکا خصوصاً در منطقه پر ثروت و استراتژیک خاورمیانه هستند.

به این جهت است که مردم ایران مخصوصاً گروههای مبارز و آگاه و پیشگامان نباید هرگز خصلت فراگیر و نفوذ کننده انقلاب ایران را به نفع استمدیدگان و توده های تحت سلطه استبدادی و استعماری منطقه از یاد ببرند.

اگر اروپا و چین و روسیه و آمریکا و ژاپن جغرافیای سیاسی جهان را بصورت پنج قطبی درآورده اند بر ماست که حرکت انقلابی خود را در شکل گیری این تقسیم بندی به فراست درک کنیم و از خود بپرسیم که چرا انقلاب بزرگ ایران موجب قدرت تازه ای در اینسوی آسیا نشود و خاورمیانه در تاثیر این انقلاب و در پرتو پیشرفت آن برای دفاع از آینده منابع ثروتی خود بصورت یک قدرت یکپارچه سیاسی و اقتصادی درنیاید؟

ایا از نیروی بالفعل منطقه در زمینه منابع انرژی و از نیروی بالقوه آن در زمینه های دیگر ولیدی نمیتوان قدرتی بوجود آورد که در حد خودکفائی و لوئاریسی بتواند در تصمیم گیریهای اقتصادی و سیاسی و نظامی قدرت های بزرگ به نفع توده های ستمدیده منطقه نفوذ بگذارد و کارتهای برنده خود را در ایجاد تعادل بین قدرتها و ممانعت از دخالت های یکطرفه آنها برای غارت منابع ثروت و تحمیل رژیمهای خودکامه دست نشانده در دست داشته باشد؟ همانطور که می دانیم در تقسیم بندی جغرافیای سیاسی جهان به قطب های پنجگانه، خاورمیانه خواه ناخواه در این تقسیم بندی ادامه حریم امنیت هر یک از این قدرتها قرار خواهد گرفت، چه بخاطر ثروتهای فراوان آن مخصوصاً در زمینه انرژی و چه بخاطر وضع استراتژیکی آن. اروپا از حونی مدیترانه شرقی و سرزمین های این سوی آن را و شوروی از سوی دیگر سرزمین های جنوبی مرزهای خود را و آمریکا از طرفی مناطق نفتی خلیج فارس و خطوط سوق الجیشی آنرا و ژاپن از طرف دیگر منبع نیروسانی و صادرات خود را و چین عرصه رقابت های سیاسی خود را با روسیه در این منطقه بختی مهمی از سیاست نظامی و اقتصادی و بزرگانی خود تلقی می کنند. منطقه ای که با اینهمه موقعیت اقتصادی و نظامی و سیاسی حساس اکثر کشورهای آن در زیر رژیمهای سیاسی خودکامه و فاسد قرار دارد طبعاً در مسیر چنین برخوردی از منافع قدرتها آینده ای پر از تلاطم در پیش خواهد داشت. در اینجااست که

چهره انقلاب ایران درخشش خاصی و تاریخی خود را در تعیین خطسیر نهائی این برخوردها نشان می دهد. برای ایجاد یک قدرت یکپارچه در منطقه و نفوذ در تعیین سرنوشت میلیونها مردم فقیر و غارت زده آن انقلاب ایران یک نیروی پیشگام و یک قدرت تعیین کننده است. اهست اساسی و تاریخی وحدت همه مرامهای مبارز و آگاه ایران در این نقطه به شکل ضروری خود می رسد، انقلاب ایران باید برای حفظ نهضت آزادی بخش ایران و تدارک زمینه برای تغییرهای بنیادی در منطقه حمله به سیستم اقتصادی و سیاسی کهنه جامعه خود را فراموش نکند. ساخت اقتصادی جامعه ساختی ظالمانه، جامعه منحط و ظالم محصول سیستم و نظام اقتصادی و سیاسی فاسد و ظالم است، هدف انقلاب ایران نابودی کلیه اشکال بهره کشی انسان از انسان و مولد از افراد جامعه است. بنابراین نظم سیاسی و اقتصادی و اجتماعی انقلاب ما فی نفسه هدف نیست بلکه وسیله است، در نظام انقلابی ما دولت نباید در بهره کشی و استثمار جای فرد را بگیرد، تملک عمومی و سایر تولید و سرمایه گذاری و مبادله نباید دولت را بصورت یک حاکم مطلق نسبت به سرنوشت افراد درآورد، زیرا در نظام فاسد سبندای کثرتی نیز بطور کلی وسایل عمده تولید در مالکیت دولت و دولت حاکم بر همه روابط اجتماعی و سیاسی و اقتصادی افراد است. وظیفه انقلاب ما تفکیک این قدرتها و اختیارات بصورتی است که استثمار فرد از فرد از میان برود ولی هرگز دولت نتواند با دست داشتن منابع اصلی درآمد و ثروت کشور بصورت یک قدرت مستبد درآید.

یعنی با پاره کردن رابطه استعماری بوسیله انقلاب دموکراسی اقتصادی باید آنچنان قالبی بدست آورد که دخالت مستقیم کارگران و روستائیان و زحمتکشان جامعه را بر مدیریت تولید و سرمایه گذاری و مبادله تأمین نموده و از ایجاد یک طبقه تازه بورکرات و تکنوکراتهای بقره سفید و دارای امتیازات استثنائی اجتماعی و مالی و سیاسی بشدت جلوگیری نماید.

جامعه ما در فقر کامل نهادهای دموکراتیک و تمرین های تجربی آن که محسوس فقنانه آگاهی سیاسی و فرهنگ اجتماعی توده هاست بسر می برد و این فقر همواره میتواند برای انحراف ارمانهای اساسی انقلاب ما و ایجاد یک نظام مستبد بورکراتیک با دستگاههای پلیسی و تفتیش عقاید خاص خود خطری اساسی بشمار رود.

در اینصورت الگوی انقلاب ما در برخورد با منافع قدرتها الگویی آسیب پذیر خواهد بود و کشور ما را در مسیر تابعیت این قدرتها قرار می دهد.

اصالت انقلاب ما در مشخص کردن خطوط اساسی آنست که هرگز نتواند کشور ما را نظیر گذشته بصورت ادامه حریم امنیت قدرتهای دیگر عرصه نفوذ و دخالت استعمار سیاسی و اقتصادی و نظامی این قدرتها قرار دهد. در چنین موضعی است که وحدت نیرو های آگاه و مبارز ما باید شکل بگیرد و تمامی مردم ما را بصورت یک قدرت دفاعی متشکل و سازمان یافته و مصمم در آورد.

اگر ما خصوصیات انقلاب خود مسیر آینده آنرا در جهت شکل دادن به سرنوشت سیاسی منطقه بدقت بشناسیم و به راه حلی های اجتناب ناپذیر اجتماعی و اقتصادی جامعه خود برای پایان دادن به سیستم ظالمانه بهره کشی در همه ابعاد انسانی آن آگاه باشیم به این نتیجه می رسیم که زمینه های فکری و اعتقادی وحدت در دسترس ما قرار دارد. بهمین دلایل که برشمریم ما در گام اول پیروزی هستیم؛ هنوز استعمار در مواضع خود ایستاده است و اهرمهای فشار نظامی و اقتصادی و سیاسی را برای سد کردن پیشرفت گامهای انقلابی مردم در دست دارد؛ هنوز نظام سیاسی استبداد بر اهرمهای قدرت مسلط است و هنوز روابط ظالمانه اجتماعی و اقتصادی و نظامی بهره کشی انسان از انسان و گروه اقلیت حاکم از کثرت توده های زحمتکش بقوت خود باقی است؛ به این واقعیت باید توجه داشت که در دورانهای فشار و استبداد که مردم و مخصوصاً قشر های روشنفکر مجال طرح عقاید خود را نمی یابند و برخورد آرا و عقاید انجام نمی گیرند همه عقاید بصورت واحد در یک مسئله متمرکز می شود و آن رهائی از رژیم استبداد و فشار پلیسی است. اما هنگامی که این فشار تخفیف می یابد و

قدرت ضربه زدن سازمانهای پلیسی کمتر می شود و حرکت اجتماعی آغاز می گردد، عقاید مختلف سیاسی و اجتماعی مجال عرضه بدست می آورند؛ اما شدت خفقان و سانسور گذشته آنچنان زمینه ای از عصبیت و بیگانگی بجا گذاشته است که ضرورت اتحاد و همکاری و تفاهم برای ریشه کن کردن کلیه آثار استعمار و استبداد اهمیت اساسی خود را در برابر بی صبری مردم در طرح عقاید خود و بکریسی نشانیدن آن از دست می دهد؛ مردم خیال می کنند که با تعدیل قدرت پلیسی رژیم همه چیز درست شده و چیزی جز اثبات حقانیت عقاید آنها باقی نمانده است؛ حال آنکه این یک اشتباه خطرناک است؛ وقتی اهرمهای قدرت جابجا نشده و همچنان استعمار و استبداد این اهرمها را در دست دارند و نیروی توده ها برای مبارزه و ادامه آن سازمان نیافته است هیچیک از گروههای اجتماعی از این گوشش عبث که حقانیت شیوه تفکر خود را با رویا رونوی با دیگران اثبات کنند طرفی نخواهند بست.

هدف مشترک همه گروههای مترقی و مبارز و آگاه به اضافه توده های وسیع کارگری و روستائی نابودی استبداد و استعمار و روابط ظالمانه اجتماعی و اقتصادی حاکم بر زندگی جامعه است.

بنابراین هدف ما تعدیل فشار پلیسی رژیم استبدادی و یا عقب راندن تاکتیکی استعمار نیست؛ زیرا با توقف در این مرحله از مبارزه و بجای اتحاد و همبستگی پرداختن به کشمکش های مسلکی و اعتقادی نه تنها زمینه برای بازگشت استعمار به موضع اول خود آماده می شود بلکه نیز با زود استبداد بار دیگر با فشاری بیشتر و بیرونی مخربتر بر زندگی ما مسلط می گردد.

بهترین وسیله برای استبداد و استعمار جهت شکستن قدرت مقاومت توده های مردم همین تفرقه نشدت و متمرکز نکردن همه نیرو های مردمی در یک سازمان انقلابی متشکل است. در اینصورت استعمار و استبداد در کمین تشدید تفرقه به کمک دامه بحران اقتصادی و دور کردن جناحهای متوسط الحال و بورژوازی از کانون مبارزه می شنیند و با انواع وسایلی که در اختیار دارد در عمیقتر کردن اختلافات بین قشر های مختلف مردم می کوشد حتی همانطور که می بینیم صحنه های مصنوعی بدست عمال خود بوجود می آورد که شان دهد مملکت در خطر تجزیه قرار دارد. تا عنواند باسم جلوگیری از تجزیه کشور انقلاب مردم را سرکوب کند.

بنابراین ما نباید هرگز مجنون تعدیل فشار پلیسی رژیم استبدادی شویم و آنرا بحساب پیروزی نهائی خود بگذاریم؛ زیرا این قبیل تلقی های ساده لوحانه از پیروزی است که مردم را برای خانه های خود باز می گرداند و میدان را برای عناصر سازشکار و لیبرال و مصلحت گرا آماده می کند تا استبداد و استعمار با آنان از در سیازش در آیند و با استفاده از جاه طلبی های آنها و مخالفت باطنی آنها با دگرگونی های ریشه ای اجتماعی و اقتصادی بدون اینکه اهرمهای قدرت را به آنها بسپارند آنها را در حکومت شرکت دهند. ما بلز ها شاهد این گونه سازش ها در گذشته نهضت های ملی ایران بودیم و اکنون بختیار و دولت او خود بهترین نمونه این گونه سازشها بین عناصر باصطلاح لیبرال مخالف با استعمار و استبداد است. اگر مردم به وعده های فریبنده بختیار قانع شوند و آزادی مطبوعات و آزادی زندائی های سیاسی و انجام تظاهرات را بحساب پیروزی قطعی دستاورد های انقلاب بگذارند دیری نخواهد کشید که استعمار و استبداد به مواضع قبلی خود باز می گردند زیرا همانطور که می بینیم رژیم استبدادی بدون اینکه اهرمهای قدرت را از دست داده باشد حکومت را به بختیار واگذار کرده است و اما قیمت این سازش در نهایت از حساب مردم برداشته خواهد شد؛ یعنی بختیار خود می خراشد با فریب مردم آنها را بخانه باز گرداند و حرکت انقلابی را متوقف نمایند؛ آنچه آقای بختیار این روز ها در مصاحبه ها و در طلق های خود در مجلسین می گوید ناشیانه خود برده از این فریب بر می دارد؛ او می گوید مردم هر

پدر سه شهید سخن میگوید

وحدت کلمه را حفظ کنیم

بسمه تعالی

هموطنان عزیز: فرزندان عزیز این مرزوبوم که طی سالها متمادی بمنظور رهائی بخشیدن خلق ستمدیده و مستضعف ایران از زیر یوغ استعمار و استبداد داخلی و امپریالیست جهانی بر علیه رژیم های خود کامه مبارزه کردند و در این راه پس از تحمل مشقات فراوان شهید شده اند اینک که بر اثر انقلاب همه جانبه ملت ایران و مردم بها خواسته جان برکف تحت رهبری زعیب عالیقدر شیعیان حضرت آیت العظمی خمینی آرزو و آرمان مقدس شهدای راه آزادی بشر رسیده و دیو استبداد از پای درآمده و فرشته آزادی بالای سر مردم ایران بال و پر گسترده است روح آنان از این موفقیت چشم گیر شاد میباشند.

تظاهرات و راه پیمانی کردند و بدستور جلادان رژیم برگار مسلسل بسته شدند و در راه طلب حقوق انسانی خود شهید شدند. و چه آنکه در امر اعتصاب برای فلج کردن امور اقتصادی و سیاسی رژیم چهار متحمل خساراتی شدند.

بخصوص نفتگران که در این مبارزه موثر بوده و سهم بسزائی داشتند خلاصه همگی مردم و گروه های سیاسی با ایده نولوژی های مختلف گوش بفرمان مقام رهبری وحدت کلمه را حفظ کردند و برای برانداختن نظام استبداد که هدف مشترک همه افشار ملت بود مبارزه پی گیر خود را ادامه دادند همگی دین خود را ادا کردند تا توانستند باین مرحله از پیروزی برسند. من در حد آن نیستم که وظیفه ام ارشاد ملت باشد بلکه بنام یک ایرانی آزادیخواه استیاب و احساس خود را بعرض میرسانم.

۱- از کلیه مبارزین و خواهان آزادی استدعا دارد که برای نگهداری از دست آوردهای انقلاب که پس از سالها تحمل رنج و مصیبت نصیب ملت محروم و زجر کشیده ایران شده با هوشیاری کامل پاسداری نموده و اتحاد کلمه و همبستگی را که تاکنون ضامن پیروزی شما بوده است حفظ نمایند و بهوش باشید که عوامل ضد انقلاب که با منافعشان در خطر افتاده در پی فرصت هستند که با ایجاد نفاق افکنی این همبستگی را بهم بزنند خودتان بهتر میدانید آزادی چه نعمتی است اکنون که بدست آمده آن را از دست نداده و با جان و دل و هوشیاری کامل در حفظ و حراست آن بکوشید نگذارید طرفداران رژیم سابق با توطئه و نیرنگ در صوف شما رخنه نمایند ممکن است آنان ضمن ابراز همکاری و هم فکری بانیرنگ های

بخصوص که از خصائص ذاتی آنان است ظاهرا اعلام همبستگی کنند تنها درسایه هوشیاری و درایت و دیرباوری شما است که توطئه های آنان نقش بر آب خواهد شد فراموش نکنید که عواقل جنایت پیشه که در گذشته با وحشیانه ترین رفتار غیر انسانی مبارزین راه آزادی و فرزندان عزیز و ارزشمند ملت را نابود کردند اکنون که زخم خورده و کینه توز تر شده اند اگر خدای نخواستد در نتیجه نفاق بین گروه های مبارز تسلطی پیدا کنند به صغیر و کبیر رحم نخواهند کرد بنابراین تا ریشه کن کردن بنیان نظام استبدادی بسازره پی گیر با همبستگی و هوشیاری کامل ادامه دهید.

۲- پیام دیگرم به تعداد هموطنانی است که بر اثر عدم آگاهی از سفاکی رژیم گذشته یا محافظه کاری بسازره برنخاستند و بیطرف بودند اینک که ثمره انقلاب را برای العین می بینند باور داشته باشند که بواسط فضل الهی بود که اکثریت قریب باتفاق مردم جان برکف و باخلوص نیت گوش بفرمان رهبر انقلاب دادند و گام بگام در راه پیروزی قدم برداشتند و هنگامیکه جنایتکاران قصد سرکوبی انقلاب را داشتند وی خواستند باخوابیهای زیاد و کشتار بیرحمانه بخواب خود جلوی سیل خروشان انقلاب را بگیرند جهش انقلاب شروع شد و خود شاهد بودید که چگونه مردم در مقابل قوای مهاجم ایستادگی کردند پیوستگی برادران هوایی ارتشی و پلیس و ژاندارمری که ایمان و اعتقاد ملی داشتند باعث شد که مردم مبارز سریعاً به هدف های انقلابی برسند و بساط زورگونی و رژیم طاغوتی را سرنگون نمایند اکنون دین خود را در راه سازندگی و پیشبرد انقلاب ادا کنید تا از ثمره انقلاب که بهت



مزیت آن برخوردار از آزادی است بهره مند شوید

۳- و شما اخلاصگران فریب خورده که هنوز پرائر تاریکی استبداد چشمتان بروشنائی و نور آزادی عادت نکرده و هنوز امیدوارید که بتوانید بوضع سابق برگردید بهوش بیایید و اندکی تأمل کنید و بدانید که دیگر نمیتوانید سد راه انقلاب شوید زیرا اثرات این انقلاب در بچه های چند ساله و مردان و زنان میانسال و کلانسال رسوخ کرده و همگی مردم مبارز ایران مصمم و آماده اند که با چنگ و دندان از دست آوردهای انقلاب دفاع کنند اگر خیال زندگی کردن در این مملکت دارید از اعمال گذشته خود نادم شوید و اخلاص گری و عملیات ایذائی که جز از بین رفتن خودتان و برانگیختن خشم مردم نیست بسایر همکارانتان نتیجه دیگری ندارد دست بردارید و از سر نوشت دژخیمان مقتدر گذشته عبرت بگیرید حکومت اسلامی عدل الهی است شما هم میتوانید در پناه عدل اسلامی مشمول عنایت شوید.

سید محمد روحی تلفن ۷۷۷۴۵۱

بقیه از صفحه ۵

وحدت کلمه رمز...

چه خواستند بآنها دادیم چرا نمی گذارند ما کار کنیم؛ چرا دنبال زندگی خود نمی روند.

اما آقای بختیار نمی فهمد که آنچه را که استبداد از دست داده است او ب مردم نداده بلکه مردم با چنگ و دندان و با خون خود گرفته اند و بختیار و امثال او کوچکترین سهمی در آزادی زندانیان و آزادی مطبوعات و رفتن شاه از کشور نداشته اند. اما بختیار شیوه کار خود را خوب می داند زیرا نقش او در این معرکه نقش مسکن و مخدر است. او نقشی جز متوقف کردن حرکت انقلابی مردم در پیشروی به سوی سنگر های قدرت استبداد و استعمار ندارد. به این جهت است که او اکنون با قبول همه عواقب به خیال خود از موضع یک مخالف رژیم استبدادی به نجات آن برخاسته است.

از اینجهت است که او بدون اینکه در دست گرفتن اهرمهای قدرت را شرط قبول مقام نخست وزیری قرار دهد این مقام را پذیرفت؛ زیرا او نیز مثل شریف امامی و ازهارای در متوقف کردن حرکت انقلابی مردم چاره ای جز کشتار و خشونت و محدود کردن آزادی رفت و آمد مردم ندارد. اگر دولت مردمی باشد و اهرمهای قدرت مثل ارتش و شهربانی و ژاندارمری تابع حکومت مردمی باشند بنابراین ادامه حرکت انقلابی مردم در برنامه های دولت مردمی متبلور می شود و در قالب وجود یک دولت مردمی و مسلط بر اهرمهای قدرت دیگر کشتار و خشونت وجود ندارد. و حرکت انقلابی مردم طبعاً در جهت سازندگی و همبستگی برای کار بیشتر و تولید بیشتر و مقابله با بحران اقتصادی خواهد بود. در انصورت است که مردم به کار و زندگی عادی خود باز می گردند و چرخهای اجتماعی و اقتصادی جامعه در دست دولت مردمی حرکت در می آید. و تازه این بیان معنی نیست که مردم حرکت انقلابی را رها کنند و بخانه های خود باز گردند حرکت انقلابی هرگز در این حد متوقف می شود؛ زیرا این حرکت است که به برنامه های دولت شکل می دهد و مسیر انرا در جهت پیشروی صحیح و دقیق به سوی نابودی کلیه بنیاد های ظالمانه استبداد و استعمار تعیین می کند.

پایان

جلسه بحث و انتقاد جنبش



روز جمعه گذشته طبق معمول جلسه بحث و انتقاد آزاد در ساختمان شماره یک جنبش با شرکت صدها نفر تشکیل شد. مردم ایران پس از گذراندن سالهای اختناق و مسموعیت اجتماعات و گذراندن دوران پرشور انقلاب کم کم به شرکت در جلسات سازنده و اجتماعات بحث و گفتگو برای دادن و گرفتن آگاهیهای لازم اجتماعی و سیاسی روی می آورند. صدها نفر جوان و سالمند وزن و مرد در سالنها و راهروها و ایوان و پله های خانه جنبش و هرچه وسیعتر در سطح کشور اعم از شهر و روستا و مدرسه و کارخانه ادامه یابد.

عکس بالا لحظه ای پس از تمام شدن جلسه را در ایوان ساختمان جنبش نشان می دهد. باینکه برنامه از ساعت ده تا دوازده اعلام شده بود پیش از موعد تشکیل شد و ساعتی پس از ظهر نیز دسته دسته هنوز به بحث و گفتگو ایستاده بودند. این جلسات هرجمعه از ساعت ده تا دوازده در ساختمان جنبش شمال غرب تهران - خیابان فرصت شیرازی شماره ۱۵۵ دایر است.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

(۲) ترجمه دکتر مریم میر احمدی

اشتباه مصدق

مصدق اشتباه بزرگی مرتکب می شود و دستور حکومت نظامی در تهران می دهد. این محدودیت موقعیت سیاسی را حادث می کند و انتقاد از مصدق را شدیدتر می سازد. اکنون زمان مناسب فرار رسیده است.

شاه باید سرانجام تصمیم بگیرد. این مرحله زمانی اسرار آمیز است. بعضی منابع معتقدند که اشرف بمحض ورودش به ژنو و اطلاع از وجود آن دالاس، رئیس سازمان سیا در سوئیس با وی تماس می گیرد. حتی هندرسون سفیر آمریکا در تهران نیز خیلی کوتاه به سوئیس پرواز می کند تا در گفت و شنود آنان شرکت نماید. در این مذاکرات اشرف حتی پشتیبانی آمریکا را در صورت سقوط مصدق و موفقیت، خواستار می شود زیرا که تردید شاه نیز بهمین علت بود آن دالاس می بایستی شدیداً حمایت آمریکا را تأیید و اشرف را مطمئن کرده باشد زیرا اشرف این امر را مخفیانه به شاه تلگراف می کند و موجب می شود که شاه بالاخره تصمیم بگیرد.

امروزه اشرف بکلی منکر چنین بحث و گفتگو می باشد و شاه نیز خود را بی خبر می داند. افکار اشرف و شاه در حقیقت سرپوشی است برای وابستگی شدید ایران آن زمان. کیم روزولت نیز ملاقات اشرف و دالاس را منکر می شود اما روزنامه آمریکائی «نیشن» منکر چنین ملاقاتی نیست.

در ۱۹ مرداد ۱۰/ اوت اعلامیه ای از طرف وزارت امور خارجه مبنی بر تجدید مذاکرات ایران و شوروی صادر می گردد. چند روز بعد به دستور مصدق ۱۲ تانک مراب قصر تابستانی سعد آباد، دست از مراقبت کشیده و آن محل را ترک می کنند.

سفر شاه به شمال

ساعت ۸/۵ صبح ۲۰ مرداد ۱۱/۱۳۳۲ اوت ۱۹۵۳ شاه و ثریا بطرف رامسر در کرانه بحر خزر پرواز می کنند. شاه دوست قدیمی خویش ارنت

پرون را مامور می کند که در تهران مانده و وی را از کوچکترین اتفاق باخبر سازد. اعلامیه رسمی دولت در مورد سفر شاه چنین است:

زوج سلطنتی پس از رامسر رهسپار کلاردشت می گردند زیرا آب و هوای تهران به مزاج علیاحضرت سازگار نبوده و بهمین جهت اعلیحضرتین بمدت ۱۰ روز به شمال سفر می کنند. شاهنشاه برای مراسم عید قربان به تهران باز خواهند گشت.

ظاهراً این سفر معمولی تلقی می شود. زیرا که اعلیحضرتین در هر تابستان به کنار دریا می روند. علاوه بر آن نگاهت ملکه ثریا بعد از ابتلاء به بیماری حصبه برای کسی پوشیده نیست.

سوءظن کسی جلب نمی شود و لااقل در کلاردشت افراد مصدق آنان را کمتر زیر نظر دارند. پس از رسیدن به رامسر ثریا و شاه بلافاصله عازم کلاردشت جاتیکه نعمت اله نصیری فرمانده ۴۲ ساله گارد شاهنشاهی منتظرشان است، می شوند؛ البته او هم در ماجرا دست دارد زیرا که مدت مدیدی است که وی از وفاداران پهلوی محسوب می شود.

شاه فرمانی با خود دارد که مبنی بر عزل مصدق و انتصاب زاهدی به مقام نخست وزیری است. عاقبت کیم روزولت زاهدی موفق شده اند که شاه را به چنین تصمیمی وا دارند.

نقشه چنین است که شاه فرمان را توسط نصیری که عازم تهران است به مصدق برساند حال که شاه در تهران نیست، مصدق نمی تواند شاه را همانطور که پیش بینی می شد، دستگیر نماید زاهدی در این فاصله پناهگاه خود مجلس را، ترک کرده و در خانه ای در اختیار پنهان شده است. طرفداران مسلح شدت از او در لباس آب حوضی و انگور فروشان دوره گرد محافظت می کنند. امیدواری زیادی است که بتوان از تردید مصدق استفاده کرد و ضربه را فرود آورد. افسران وفادار شاه منتظر دستور وی هستند تا

حدود تصفیه بقیه از صفحه ۱

عنوان و اعلام شده است. می دانیم که خواست توده مردمی که انقلاب کرده اند، کسانی که از سالیان پیش زندان و شکنجه و تبعید را دوره مبارزه با طاغوت بر خود هموار کرده اند و کسانی که شهید شده اند، عفو عمومی نیست.

عضو عمومی چه بسا که مبارزان قدیمی و زندانیان سیاسی و شکنجه دیده ها و یاران و نزدیکان شهدا را که از موتورهای اصلی حرکت انقلابی هستند، از انقلاب و دستاوردهای آن برنجانند و دلسرد کند، ولی در صورت برای بکار افتادن چرخ کارها و جلوگیری از ایجاد و پراکندن شایعات و ضربه زدن به انقلاب به نظر می رسد که هرچه زودتر بهتر است بین نظریه انتقام عمومی و عفو عمومی خط میانه ای رسم شود.

یکی از راهها تعیین مدت معین برای تصفیه جامعه از عناصر فساد رژیم گذشته است که با دقت و محاسبه کافی در ظرفیت دستگاههای تصفیه و نوع تصفیه می توان دست کم در سر رسید مدت معین شایعات را از میان برد و سلاح شایعه پراکن را از دستشان بیرون کشید. دومین راه اینست که با جدولی و تعیین ضوابطی دقیق و معین اعلام شود چه کسانی و عاملین چه جرائم و خلافهایی دیرباز به دست عدالت سپرده خواهد شد و به پای میز دادگشاهای انقلاب کشیده خواهند شد و خارج از این حدود کسانی هستند که در حال به تبع جامعه ای که فساد در تمام ارگانهای آن نفوذ داشته است به سهر پا از سربل اطلاعی نتوانسته اند دامن خود را از آلودگی صرا نگهدارند و جزو مقدمین و طرسانان

نقاط حساس پایتخت را اشغال نمایند. همه چیز غیر مترقبه و غیر قابل پیش بینی است. مصدق نمی تواند تصور کند که چه نقشه ای در کار است. اما به نحوی خبر به خارج درز می کند و مصدق در آخرین دقائق احساس خطر می کند. در شب ۲۴ مرداد ماجرا مسیر خود را طی می کند.

در شامگاه، افسران سلطنت طلب وارد عمل می شوند. آنها فاطمی، وزیر امور خارجه و وزیر راه و ارتباطات را دستگیر می کنند. آنان موقتاً در کاخ سلطنتی بازداشت می شوند. اداره مرکزی تلفن به تصرف درمی آید. کیانی، آجودان تیمسار ریاحی نیز دستگیر می شود. سپس سلطنت طلبان با جیب هایشان برای دستگیری دیگر شخصیتهای مهم پراکنده می گردند.

تنها چیزی که سلطنت طلبان نمی دانند اینست که مصدق تیمسار ریاحی را در ساعت ۵ بعد از ظهر اخصار کرده و به وی خبر این شیخون را داده است. منتهی آنان ساعت دقیق این حمله را نمی دانند و همین امر موجب پیروزی نخستین آنان می گردد.

طرفداران دولت به سرعت قوای خود را جمع می کنند و به هنگامی که نصیری حدود ساعت ۱۰/۵ بعد از ظهر جلو منزل مصدق می رسد با ممتاز، فرمانده نیروی دوم گروه ضربت که بالاترین رقم افراد را دارد، مواجه می شود. نصیری فوراً بازداشت می شود.

همه چیز تمام شد

زاهدی که به موقع از شکست طرفداران شاه آگاه می شود، موفق به فرار می گردد اما بیشتر یارانش تاسپیده دم دستگیر می شوند. ابوالقاسم امینی و بهبودی خزانه دار، مقدم، کسری، پاتمانقلیچ، منصور پور، زندکری، حمیدی، شبانی و بسیاری دیگر

توقیف ارنت پرون

صبح روز بعد در نخستین ساعات باامداد، مصدق اعلامیه ای از رادیو پخش می کند. صدایش متاثر و گریه الودست: شب گذشته، کودتایی بر ضد دولت تدارک دیده شده بود که بیشتر خیانتکاران اکنون در زندان بسر می برند. زاهدی و گروه کوچکی از یارانش موفق بقرار شدند که جایزه دستگیری وی ۵۰۰/۰۰۰ ریال است. مرگ پرچمیت کاران. همه مطبوعات به شاه می تازند و در روزنامه عصر باختر روز مقاله شدیدالحنی به قلم فاطمی چاپ می شود. فاطمی شاه را هم پایه آن ۵۰ یا ۶۰ جانی هندی می شمارد که توسط انگلیسی ها به هنگام اشغال هندوستان منصب بدست آوردند. شاه مزدور اجانب است و دربارش بدتر از دربار فاروق، شاه و دربار، دشمن همه آزادگان، میهن پرستان و همه رزمندگان راه استقلال و آزادی است.

در کلاردشت اما وحشت عجیبی حکم فرماست. ارنت پرون قبل از دستگیری فقط توانسته است تلفنی شاه را از ماجرا باخبر سازد. شاه می بایست هرچه زودتر فرار کند. لوازم آنان چمدان کوچکی است که برای اقامت کوتاه مدستان در کلاردشت همراه آورده بودند. شاه و ثریا سوار هواپیما می شوند، اما هواپیما کوچک است و با آن نمی توان به خارجه رسید. بنابراین می باید اول به رامسر پرواز کنند و بسراغ بیج کرافت بروند. آنان امیدوارند که مصدق هواپیما را قبلاً ضبط نکرده باشد. خوشبختانه این هواپیما در انبارست و ظوائش خالی و دو آجودان دیگر در انبار هستند. شاه به آنان می گوید: «همه چیز از دست رفت، زود باشید بطرف بغداد راه می افتیم».

قرار به بغداد با عجله هرچه تمام تر انجام می شود. فقط یک آجودان، سرگردانای سوار هواپیما می شود و دیگری برای انتقال لوازم به نقطه امنی باقی می ماند.

ورود به بغداد

روز ۲۵ مرداد ۱۶/۱۳۳۲ اوت ۱۹۵۳، زیر درخشش آفتاب نهمروز، هواپیمای دوموتوره ناشناسی بر فراز فرودگاه بغداد ظاهر می شود. ظنان ورود خود را به برج مراقبت اطلاع می دهد و نه اجازه فرود می گیرد. فرودگاه مملو از جمعیت

بقیه در شماره آینده کارنامه دو ساله درخشش آفتاب نهمروز، هواپیمای دوموتوره ناشناسی بر فراز فرودگاه بغداد ظاهر می شود. ظنان ورود خود را به برج مراقبت اطلاع می دهد و نه اجازه فرود می گیرد. فرودگاه مملو از جمعیت

کارنامه دو ساله

متناسفانه به علت تراکم مطالب دنباله مطلب کارنامه دوساله برای شماره آینده ماند

قانون اساسی جدید به زنانی که برای آزادی خود و مردانشان جنگیده اند چه هدیه ای خواهد داد؟

چه گلی بر سر زنان ایران می زنند

نویسنده: کاتیا - د - کوب مجله نوول اسپراتور

یکشنبه ۲۳ فروردین ماه ۱۳۵۸

مترجم: مسعود

کرد و به یک فاحشه و یا فاسق تنزلش داد: (.....) گرفتن چند زن اجباری نیست و تحت ضوابط خاصی است.

- میپرسم: آیا زنان حق طلاق خواهند داشت؟

- آقای بنی صدر که در مجلس حاضر دارد جواب میدهد که: آقای خمینی به وضوح بیان کرده اند که زنان در اسلام حق طلاق دارند چنانکه در قبالة ازدواج هم میتوان این حق را قید کرد. مرد حق تنبیه بدنی زن را ندارد مگر در مواردی که خود زن به خشونت علاقمند باشد. تنها موردی که میتوان تنبیه بدنی زن را مجاز شمرد، در برابر هدم تمکین است. دیگر این در صلاحیت پزشک است که وجود خشونت را در برابر زن تشخیص دهد و تأیید کند.

- میپرسم: آیا بین زن و مرد از نظر جنسیت برابری مطلق وجود دارد؟

- مهندس بازرگان جواب میدهد: نظام طبیعت حتی در مورد نباتات و سایر حیوانات هم چنین تساوی را برقرار نکرده است.

- میگویم: به هرحال در ایران زنان نمیتوانند قاضی شوند و آیت الله خمینی هم علت آن را حساسیت فوق العاده زنان بیان کرده اند. - مهندس بازرگان جواب میدهد: بله، زنان خیلی عاطفی هستند. شما چنین فکر نمیکنید؟

در حالیکه مهندس بازرگان به سوی من سر برگرداند گفت: ولی من قاضی هستم.

این سوال «موتسکیو» که «چگونه میتوان ایرانی بود» از زمان خوداتاکون به انواع مختلف بیان شده است و حالا من به این صورت مطرح میکنم که: «چگونه در ایران میتوان زن بود؟»

نصف پسر ارث میرسد. چینی ها که خواسته اند واقع بین تر باشند زنان را «نیمی از جهان» دانسته اند.

حال برسیم به آنچه مردان مصدر قدرت در ایران به ما گفتند: خانم فرانسواز گاسپار شهردار سوسیالیست ناحیه «درو» میبایستی با احمد سلامتین سوسیالیست (معاون وزارت خارجه ایران) بطور خصوصی سفارش مارا میکرد تا دستمان را به دست مهندس بازرگان برساند. خانم گاسپار به ما گفت که سلامتین متوجه تلگراف خانم سیمون دوپوارت شده و مارا بجای «زنهای فمینیست پاریسی» عوضی گرفته است. اتحاد احزاب سوسیالیست فرانسه هم سفارش مارا کرده بود.

عاقبت در اتحادیه زنان اسلامی که در ساختمان هشت طبقه سازمان سابق زنان اشرف پهلوی خونخوار امتحان آزادیخواهی خود را دادیم و قبول شدیم. انگاه بود که آیت اله طالقانی و مهندس بازرگان مجاب شدند که ما برای معالجه بیماری بیگانه «فمینیسم» خود از پاریس نیامده ایم، و مارا پذیرفتند.

از آیت اله طالقانی پرسیدم: تعدد زوجات آزاد خواهد بود؟ جواب دادند: درباره این موضوع به ایتالیائیها هم گفتیم که در اسلام تعدد زوجات وجوب ندارد. طبق قوانین اسلام مرد حق ازدواج با یک زن را دارد ولی در شرایط خاص اگر توانست زنی دیگر اختیار کند و بین دوزن با عدالت و مساوات رفتار نماید مجاز به ازدواج مکرر میشود. واقعیت دائمی تاریخ نشان میدهد که همیشه تعداد زنان بیش از مردان بوده است. من تأکید میکنم که پیش ما و در حقوق اسلام ترجیح میدهیم که زن در درجه اول یک شوهر داشته باشد و مادر خوبی باشد. نمیتوان زن را از این حق مسلم خود محروم

ماموریت ما: «هیئت نمایندگی کمیته بین المللی زنان» با موفقیت انجام شد. مسیرما: تهران، قم، پاریس بود.

ماتوانستیم در همه جا، از جمله در دانشگاهها بی ددرس رفت و آمد کنیم. بعلاوه شب عید و حتی در اولین روز سال نو با مراجع عالیقدر مذهبی و سران سیاسی کشور درباره حقوق زنان ایرانی در آینده، در سبیده دم آزادی به گفتگو بنشینیم. و از این موضوع وجود لیبرالیسم را در ایران نتیجه گیری کردیم. ما اجماع مذهبی با مشغله و گرفتاری فراوانی که داشتند و حتی در بحران کردستان که دوروز بعد عازم آنجا بودند، از گفتگوی طولانی درباره مسأله زنان باما که در آن لحظات یک مسأله فرعی بود، برداری نکردند.

هنگامیکه پاریس را ترک میکردیم، در کنفرانس مطبوعاتی که در محل «اتحادیه حقوق بشر» انجام میشد، مارا به مسخره گرفتند که «شما میخواهید به زنان ایرانی که اسلحه به دست گرفته اند و جنگیده اند، درس سیاسی بدهید؟». همان حرفهای آشنا بود. همانها که از سال ۱۷۸۹ تا انقلاب الجزایر و انقلاب ماه مه ۱۹۶۸ به گوشمان خورده بود، یعنی «اول انقلاب و بعد گفتگو در باره زنان». در تهران هم تکرار همین حرفها بود.

به نظر میرسید که دیر رسیده بودیم. زنان ایرانی تصمیم گرفته بودند که تظاهرات درباره حجاب را ادامه ندهند. روزنامه های خارجی هم خبرنگاران خود را فراخوانده بودند و ما در جریان اخبار روز بودیم. باوجود این دوروزنامه فرانسوی پیش از آنکه منتظر سفر و بازگشت و نتیجه اقدامات ما شوند فرانسوی پیش از آنکه منتظر شاید به مناسبت «مرد صفتی» معمولی خودشان؟ اگر چه آنان بعد از جهت خود را اصلاح و عقب نشینی کردند، اما وقتی این روزنامه ها «لوموند» و «لیبراسیون» باشند، تاسف بار است.

در تهران همه حتی کسانی چون دکتر لاهیجی و کیل دادگستری دموکرات منش منتظر هیجده نفر کسانی بودند که «عقلشان پارسنگ میرسد». سحرگاه بیستم ماه مارس یعنی روز ورود ما «کیت میل» را از ایران اخراج کردند. او هم آشکارا وحشت خود را از این کار اعلام کرد. در سال ۱۹۶۸ در پاریس به کیت میل لقب «علی پهبان» داده شده بود. آن روز هم او «ترس و وحشت» خود را آشکارا اعلام کرده بود. ما نیز کوشش کردیم تا رموز و راز انقلابی امروز ایران را کشف کنیم.

در صبح اولین روز ورودمان، سربازها توده مردم را گلباران میکردند. آدم به یادشهر لیسبون میافتاد. عکس روی یک پوستر، کودکی را نشان میداد که داشت گل میخکی را توی لوله تفنگ یک سرباز میگذاشت و دستش نمیرسید. اسم پوستر «بهار انقلاب» بود، به یاد کودکان لبنانی افتادم که در تله ویزویون دیده بودم.

مشغول آموزش با «کلاشینکف» بودند که برای دستشان بزرگ بود... آنها در کشوری مثل ایران که بچه پس انداختن رحمت خداوندی است. دردانشکده ادبیات دختران و پسران مجاهد کوله پشتی به پشت عازم رفتن به دهات بودند تا انقلاب اسلامی را تبلیغ کنند. جهاد است یا جنگ مقدس، یا جنگ صلیبی، یا اطبای پاپرهنه (چین)، یا همه باهم؟

سه روز بعد چهره دوست داشتنی توده مردم، یعنی امام خمینی را دیدیم که برای مردم سخن میگفت و آنانرا ارشاد میکرد. جوش و خروش مذهبی ها را دیدیم که با لباس شخصی و نظامی اسلحه به دست در مقابل اقامتگاه امام پاس میدادند، به خود گفتیم که چه بسا شاهد نخستین انقلابی هستیم که محرک آن مذهب است؟

اما زنان که اسلحه به دست جنگیده اند، و هنوز همچون زنان فرانسه در سال ۱۷۸۹ و زنان روس در سال ۱۹۱۷ و زنان اسپانیا در ۱۹۳۶ و زنان چین در «راه پیمائی طولانی» و بالاخره زنان الجزایر در سال ۱۹۵۴ میجنگند، فردای انقلاب چه مقامی خواهند داشت؟ تنها یک «همسر خوب و مهربان»؟

در قانون اساسی جدید که درست تهیه است، این مبارزان در زمینه ارث، ازدواج، جلوگیری از حاملگی، سقط جنین، طلاق، تحصیل، کار و دستیابی به هر نوع شغلی بدون اختلاف مزد با مردان، چه حقوقی خواهند داشت؟ آیا به این نکته ها که در آینده سازی جامعه نقش اساسی را دارند، در قانون اساسی جدید توجه خواهد شد؟

وقتی این مسائل را با ایرانیان مطرح میکنیم، تفاوت زمینه فرهنگی را پیش میکشند که بهترین وسیله برای خلع سلاح ماست. اختلاف مسائل زنان بین پاریس و تهران دست نیافتنی است. ساختن زنان در قالبهایی ریخته شده است که از مرزهای سیاسی، طبقات اجتماعی و اقیانوسها فراتر میرود و در همه جا یکسان است.

زنان وقتی «نیمه» نباشند «ثانوی» هستند همسر فرانسوی به زبان عامیانه نمی از مرد خویش است. طبق قوانین اسلام به دختر

